

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نیکولای مالیشوسکی * - (Nikolay Malishevskiy)

برگردان و پی نوشت از: ا. م. شیرینی

۲۶ سپتمبر ۲۰۱۳

جنگ در سوریه و دالر

ابتکار روسیه برای قرار دادن تسلیحات کیمیائی سوریه تحت کنترل بین المللی، برنامه آمریکا برای تجاوز نظامی به سوریه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. در عین حال، باید اذعان کرد، که این موفقیت دیپلوماتیک صرفنظر از این که آمریکا از برنامه خود امتناع نکرده است، اما حداقل موجب آرامش موقت در خاورمیانه و همه جهان گردید. از یک طرف، در حال حاضر افکار عمومی بیش از هر موضوعی روی مخالفت قاطع با هجوم آمریکا متمرکز شده است. در همین رابطه لازم به گفتن است:

آ- موضع جامعه آمریکا، به طوری که آخرین نظرخواهی اجتماعی نشان می دهد، بیش از ۷۰ درصد مردم با دعوت بارک اوباما به اقدام نظامی مخالف هستند؛ ب- افکار عمومی جهانی، طرح روسیه را به عنوان راه خروج از بن بست سیاسی ارزیابی نموده و از «بازی» امریکائیها با «آتش» در منطقه ای که به «بشکه باروت» جهان مشهور است، در شگفت هستند. علاوه بر اینها، حمایت دبیر کل سازمان ملل متحد، بان کی مون از ابتکار روسیه را نمی توان نادیده گرفت.

از طرف دیگر، دولت آمریکا تمایل شدیدی به شروع جنگ دارد. اما در این راه، آمریکا باید منتظر موانع و مشکلات بسیار جدی باشد. همانطور که اکنون به وضوح معلوم شده است، حمله کیمیائی اخیر در نزدیکی دمشق نه از سوی ارتش سوریه، بلکه از طرف مخالفان آن انجام گرفته است. باندهای در حال جنگ در سوریه در موارد دیگر نیز سلاح کیمیائی به کار برده اند (در این باره در گزارش ۱۰۰ صفحه ای تقدیمی روسیه به سازمان ملل متحد در باره حمله کیمیائی به «خان العسل» در شمال سوریه در ۱۹ مارچ، و همچنین، در بیانیه ماه مه کارله دل پونته، رئیس کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد در مورد کاربرد سلاح کیمیائی «زارین» در سوریه مبنی بر استفاده شورشیان از سلاح کیمیائی گفته می شود). به صرف اینها، دلایلی برای نگرانی از تکرار تحریکات وجود دارد. هدف از تحریکات این بود و هست، که آنها به دست آمریکا، فرانسه و دیگر اعضای ائتلاف ضد سوری، دارندگان ذخایر عظیم تسلیحات کیمیائی، بهانه می دهند تا دمشق را زیر فشار تهدید به حمله حتمی و تحت پوشش «مبارزه با تروریسم» به خلع سلاح یکجانبه وادار نمایند.

با این وجود، سوریه برای دفع حمله، علاوه بر سلاح کیمیائی یکسری امکانات دیگر هم در اختیار دارد.

یکی از این امکانات، آمادگی نیروهای ویژه سوریه برای انجام عملیات در خاک امریکاست، که می توانند عواقب بیش از حد انتظار در پی داشته باشند. بنا به اظهارات سخنگوی وزارت دفاع سوریه، اکنون چندین صد تن از اعضای نیروهای ویژه سوریه، «الوعدة القسام»، چه به صورت قانونی و چه به طور غیرقانونی در خاک ایالات متحده

امریکا حضور دارند. دسته های رزمی ۳- ۷ نفره با تمام لوازم تجهیز شده اند و در صورت حمله امریکا به سوریه، موظف به انجام عملیات خرابکاری هستند. مؤسسات اداری و زیرساختی، پایانه های نفت و گاز، تأسیسات نظامی، شامل پایگاههای هوایی و دریایی از جمله هدفهای تعیین شده برای عملیات هستند. به گفته همین منبع، رهبری سوریه با مطالعه جنگ یوگسلاوی، عراق، لیبیا، که در آنها رویکرد دفاعی صرفاً برای دفع تجاوز از پیش در معرض حمله قرار گرفته و محکوم به شکست شده بود، چنین تصمیمی را اتخاذ کرد.

با این وجود، برای نیروهای ویژه سوریه که از عملیات در خاک اسرائیل، لبنان و خود سوریه تجارب غنی اندوخته اند، نبرد در خاک امریکا به منظور وارد آوردن خسارات قابل ملاحظه لزومی ندارد. زیرا، با پشتیبانی نیروهای ویژه ایران، کارائی عملیات خرابکاری به لحاظ ابعاد، تعداد، و میزان آسیبهای اقتصادی- نظامی بالقوه به تجاوز امریکائی، به منافع اقتصادی امریکا در اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی و غیره، می تواند به مراتب افزایش یابد.

عربستان سعودی هم به عنوان یکی از طرفداران سرسخت جنگ، از شورش جامعه شیعه ۱۵ درصدی جمعیت کشور، که طرفدار ایران می باشد (به اضافه پشتیبانی همکیشان آنها در عراق، بحرین و دارای بزرگترین جامعه در لبنان)، به حق از سالها پیش در هراس به سر می برد. بخش اصلی شیعیان عربستان سعودی در استان شرقی الاحساء واقع در ساحل خلیج فارس متمرکز هستند. این استان به علت موقعیت جغرافیائی خود و به عنوان مخزن عمده نفت عربستان از اهمیت ستراتیژیک برای ریاض برخوردار است.

مصر علی رغم این که در آتش مناقشه بین حاکمیت جدید و اسلامگرایان مورد حمایت آنکارا می سوزد، به مثابه یک عامل بازدارنده خودیژه علیه تجاوز به سوریه عمل می کند. تجاوز نظامی امریکا به سوریه هر لحظه ممکن است کشور مصر را به ورطه جنگ داخلی بکشاند، که اولین پیامد آن بسته شدن کانال سوئز برای عبور کشتیهای نفتکش خواهد بود. خود این نیز مسأله جست و جوی راههای دیگر حمل نفت را فعلیت می بخشد، لازم به توجه است که راه کمربندی شاخ افریقا زمان تحویل نفت را دو هفته به تأخیر می اندازد، و راه دریائی شمالی روسیه، اگر چه کوتاه ترین راه دریائی به حساب می آید و قادر است قطبهای صنعتی جهان (اروپای غربی، امریکای شمالی و آسیای جنوب شرقی) را به هم منصل سازد، اما هنوز برای انجام چنین وظیفه ای آماده نیست.

مشکلات اقتصادی، که در صورت حمله نظامی به سوریه پیش می آید، نه تنها با افزایش گریزناپذیر بهای سوخت، بلکه، با نزدیک شدن پایان دالر به عنوان ذخیره ارزی جهان بستگی خواهد داشت. در نیمه اول سال ۲۰۱۳ نه فقط ایران و استرالیا، حتی پنج کشور از ده اقتصاد پیشرفته جهان، از جمله چین، جاپان، هند و روسیه از استفاده از دالر در تسویه حسابهای تجارت خارجی امتناع کردند.

مسکو و پکن، که به ترتیب در زمینه صادرات و واردات نفت در موقعیت اول جهانی قرار گرفته اند، قادراند تصمیم خود را دایر بر امتناع کامل از خرید و فروش نفت با دالر هر لحظه اعلام نمایند. بزرگترین خطر برای امریکا درست در همین نکته نهفته است. به همین دلیل، تلاشها برای دامن زدن به آتش جنگ علیه سوریه از منظر به تعویق انداختن شکست دالر به عمل می آید. مصادف شدن تشدید اوضاع پیرامون سوریه و موکول کردن مذاکرات در مورد خطر شکست دالر امریکا از ماه فبروری به پائیز سال جاری بی دلیل نبود. واشنگتن نگران دمکراسی در سوریه نیست، بلکه، مسأله با سقف بدهی های دولتی، از نقطه نظر چشم انداز حیاتی تحول خود ایالات متحده امریکا به «دولت شکست خورده» ارتباط دارد...

پی نوشت مترجم:

هر کسی که تصور کند: اگر ولیعهد اتریش- مجار در روی پل موستار در سارایوو ترور نمی شد، آتش جنگ جهانی اول شعله نمی کشید و یا این که بر این باور باشد، اگر فاشیسم سرمایه داری در المان، ایتالیا، جاپان در دهه ۱۹۳۰ به قدرت نمی رسید، جنگ ویرانگر جهانی دوم اتفاق نمی افتاد، در خوشبینانه ترین حالت، نه درکی از هیچ یک از نظامهای اجتماعی- اقتصادی، به ویژه، نظام سرمایه داری دارد و نه از علم سیاست. اگر فاشیسم قرن بیستم به دنبال بحران دهه ۳۰ سرمایه داری زاده شد، فاشیسم سده بیست و یکم در اثر شروع بحران پوشیده، با حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اشنگتن و نیویورک تولد خود را تحت عنوان «جنگ با تروریسم» اعلام کرد.

«جنگها نتیجه بحرانند و ادامه سیاست»! همه جنگها هم سفارش دهنده دارند و هم مجری. بی شک، ترور ولیعهد اتریش- مجار هم سفارش دهنده داشت و هم مجری. فاشیسم قرن بیستم نیز زاده بحران بود و هر دو جنگ عالمگیر هم نتیجه آن.

جنگهای سده بیست و یکم، از جمله، جنگ سفارشی کنونی در سوریه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. در طول بیش از دو سال و نیم که از شروع جنگ استعماری- تروریستی غرب امپریالیستی علیه سوریه می گذرد، مقامات رسمی امپریالیسم جهانی و ناتوی رسانه ای وابسته به آنها سعی می کنند چهره کاملاً دیگری از این جنگ ویران گرانه ارائه دهند و آن را به نامهای دیگری غیر از نام واقعی آن بنامند: «جنگ داخلی»، «جنگ بین پیروان ادیان و مذاهب مختلف»، «جنگ بین ملتهای بومی کشور» و در نهایت، «بحران سوریه»! هدف از همه اینها روشن است: سفارش دهنده در محاق بماند و مجری، شرارت خود را در زورق بهانه های «مشعشع»: «دمکراسی»، «حقوق بشر»، «بمبارانهای انساندوستانه» و امثالهم بیچاند.

جنگ کنونی امپریالیسم علیه مردم، دولت و کشور مستقل سوریه اگر دیروز یک راز پنهان بود، امروز برملا و آشکار شده است، که از سالها پیش، از زمانی که جرج بوش در سال ۲۰۰۱ هفت کشور، از جمله آنها، جمهوری عربی سوریه را «محور شرارت و حامی تروریسم» اعلام کرد، برنامه ریزی شده بود و ربطی به مسائل و مشکلات داخلی سوریه ندارد.

هم اکنون بیش از پنج سال از ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۰۸، تاریخ رسماً اعلام شده شروع بحران ساختاری نظام سرمایه داری جهانی می گذرد. جنگهای پیش از این تاریخ (از میان آنها، جنگ علیه یوگسلاوی، افغانستان، عراق)، نه تنها نتوانستند نظام سرمایه داری را از سقوط به ورطه بحران مالی- اقتصادی ساختاری بازدارند، حتی باعث تعمیق و گسترش بحران نیز شدند.

اگر ریشه و منشاء جنگها در نکته فوق جست و جو شود، بی شک، سفارش دهنده و مجری آنها نیز معلوم و مشخص می گردند. سفارش دهنده جنگها: دولت مخفی سرمایه مالی و صنعتی حاکم بر جهان (ماقیای دالر، طلا، مواد مخدر و صنایع جنگی) و مجری آنها: دولتهای امپریالیستی خدمتگزار سفارش دهندگان! منتها، مجری جنگ این بار با بهره گیری از رسوائی های خود از جمله، در افغانستان و عراق، قصد دارد بمبها و موشکهای تولید کنندگان مرگ را با پول نفت و گاز قطر، عربستان سعودی، کویت و... بر سر مردم سوریه بریزد. یعنی، به گفته بارک اوباما، هزینه بمباران سوریه را قطر و عربستان تقبل کرده اند.

این که رئیس جمهور امریکا از همان ابتدای شروع جنگ علیه سوریه، کاربرد سلاح کیمیائی را «خط قرمز امریکا» اعلام کرد و این که در ۱۹ ماه مارچ در «خان العسل» و در ۲۱ ماه اگست سال جاری در حومه دمشق، در «غوطه» از سلاح کیمیائی استفاده شد، طبیعتاً تحریکاتی بود برای مستدل ساختن جنگ طلبی اوباما و خلع سلاح سوریه به منظور برداشتن گام بعدی: ادامه جنگ و نجات دالر! چنین تحریکاتی را علیه لیبیا نیز به عمل آوردند تا این که دولت

این کشور مجبور شد تمام تجهیزات هسته‌ئی خود را در سال ۲۰۰۵ بار یک کشتی نموده و به امریکا تحویل دهد و راه
حمله سال ۲۰۰۱ القاعده و ناتو به کشور را و بازگشت آن به عصر پارینه سنگی را هموار نماید.
بنا بر اینها، هیچ دلیلی برای خوشبینی وجود ندارد که غرب برنامه حمله خود به سوریه را کنار گذاشته است. چون از
یک سو، نظام سرمایه داری در باتلاق بحران دست و پا می زند و از طرف دیگر، هم سرنوشت دالر در میان است و
هم انبارهای صنایع نظامی باید خالی شوند. و البته، این پایان کار نیست.

* نامزد دکترای علوم سیاسی

<http://politikus.ru/articles/6491-voyna-v-sirii-i-dollar.html>

۲ مهر- میزان ۱۳۹۲